

ردپای کلیشه‌های جنسیتی در اسباب‌بازی‌فروشی‌ها

بازی به سبک پسران شیر و دختران موش

شهرزاد همتی



کمی بالاتر از میدان ونک، اسباب‌بازی‌فروشی بزرگی، اسباب‌بازی‌های خود را که همه‌شان جزء برندهای معتبر هستند، در ویتترین چیده است. دو ویتترین چیده‌شد مغازه انگار کاملاً سه‌میه‌بندی شده‌اند، یک بخش پر است از ماشین‌ها، لوگوها و عروسک‌های بتمن و ویتترین دیگر هم از خرس‌های قرمز و صورتی، لباس قهرمانان فروزن و عروسک‌های باربی که در حال ششوارکشیدن موهایشان هستند بر شده. در کنار ویتترین هم گاز بزرگ و قابلمه‌هایش به ویتترین تکیه داده شده. آدم‌ها هم به فراخور حال و نگاهشان به تربیت فرزند، پشت ویتترین‌ها ایستاده‌اند و به اسباب‌بازی‌ها و قیمت‌های نجومی‌شان نگاه می‌کنند.

وارد مغازه می‌شوم و از مغازه‌دار درباره خریدارها و نوع خریدها می‌پرسم. او می‌گوید اکثریت قریب به‌اتفاق آنهایی که پسر دارند مشتری ماشین‌های بزرگ و اسلحه و عروسک بتمن هستند و برای دخترها هم بیشتر لوازم آشپزخانه و باربی با لباس‌های چین‌دار برده می‌شود. جعبه یک‌ی از عروسک‌های باربی را نشاتم می‌دهد که بیشتر از همه مشتری دارد؛ عروسک باربی با یک کمد پر از لباس و میز آرایش، ششوار و کفش‌های پاشنه‌بلند، بسته هیجان‌انگیزی که ۱۵۰ هزار تومان قیمت دارد و از همان ابتدا نقش زن را به او یادآوری می‌کند. کلیشه‌های جنسیتی در ابتدای امر اسباب‌بازی‌ها را به‌خوبی نشانۀ رفته‌اند.

طلیحه زنی ۳۴ساله دارای یک دختر شش‌ساله به نام در ساست. آمده تا برای دخترش اسباب‌بازی بخرد، عروسک‌ها را بالابالابین می‌کند و بعد از کلی وسواس، عروسک السا و لباس‌هایش را روی پیشخوان می‌گذارد. از او می‌پرسم هیچ‌وقت برای دخترش ماشین خریده یا نه و او می‌گوید دخترش به طور کلی

علاقه‌ای به ماشین ندارد و بیشتر دلش می‌خواهد عروسک‌های متنوع داشته باشد. البته طلیحه می‌گوید هیچ‌وقت به فرزندش پیشنهاد داشتن ماشین نداده و فکر هم می‌کند زن‌ها با توجه به ظرافت زنانه‌شان، بهتر است از اسباب‌بازی‌های دخترانه استفاده کنند.

خیابان حسن‌آباد تهران مرکز فروش وسایل چوبی نوزادان است. با نگاهی به ویتترین و اسباب مغازه، می‌شود سیسمونی دخترانه و پسرانه را از هم تشخیص داد. روی کمدها و تخت‌های دخترانه عکس خرگوش و گریه چسبانده شده و رنگ اکثر آنها صورتی است و وسایل پسرانه انتخاب رنگ‌های بیشتری دارد. آبی، سورمه‌ای، قرمز و قهوه‌ای رنگ‌های پسرانه هستند و روی تخت و کمدها عکس شیر، خرس و سگ‌های پشمالو نقاشی شده. مغازه بزرگی در ابتدای خیابان جامی در ویتترینش تخت قرمزی به شکل ماشین‌های مسابقه‌ای گذاشته و کمدش نیز شبیه یک پمپ‌بنزین کوچک است، صاحب مغازه می‌گوید به یاد ندارد خانواده‌ای برای تهیه این تخت آمده باشند و فرزندشان دختر باشد. او می‌گوید آنهایی که دختر دارند بیشتر دنبال تور و حریر صورتی هستند. می‌گویند تخت پرنسسی می‌خواهند. درحالی‌که در خرید تخت برای پسرها آن چیزی که مدنظرشان است، این است که پسرها روحیه جنگجو مردانه داشته باشند. مثلاً آنهایی که برای خرید تخت ماشینی به مغازه می‌آیند، می‌گویند دلشان می‌خواهد پسرانشان راننده‌های قابلی باشند، این در حالی است که رانندگی‌کردن برای دخترها هنوز که هنوز است اولویت نیست و مسئله‌ای جملائی به نظر می‌رسد.

خیابان بهار که مرکز تهیه البسه نوزادان است، هم

بخش اورژانس

شهرمرزی



سیدحسین مهرآوران
متخصص داخلی

برده‌اول

در درمانگاه نشسته‌ام و یک‌به‌یک بیماران را ویزیت می‌کنم. تلاش می‌کنم تا دستورات و توصیه‌های تخصصی را که باید به آنها گوشزد کرد، با حوصله یادآور شوم. مصاحبه با هر بیمار برای من، پزشک متخصص غریبومی که با کوشش خای مستان آشنایی کاملی ندارد؛ حوصله و توانی مضاعف را طلب می‌کند. از صبح امروز سه بانوی سال‌خورده و تنها که توسط همسایگان یا آشنایانی دلسوز به درمانگاه آورده شده‌اند را ویزیت کرده‌ام؛ بانوانی با شرایط جسمانی نابسامان و بیماری‌های متعدد داخلی و نیازمند پیگیری، درحالی‌که در فرصت مصاحبه با یکایکشان، خلق افسرده و تظاهرات روان‌تنی به‌روشنی دیده می‌شود. سخت‌ترین قسمت مصاحبه با این بیماران برایم اخذ شرح حال روانی و شرایط روحی‌شان است که پس از این پرسش‌ها عمدتاً با گریستن و شکستن انسان‌هایی مواجه می‌شوم که تجربه تکرار هر مصاحبه را برایم به ماراتنی دشوار بدل کرده است. اینجاست که کمی همدلی با بیمار، آرامشی دوباره را در واژگان و نگاهش زنده می‌کند. گذشته از ماحتی بجا که بیمارمن نادرستی پرداخت یارانه به گروه‌های برخوردار جامعه در جریان است، برای من، موعد واریز یارانه‌ها، هر ماه، با مراجعه بیشتر بیمارانی همراه است که این مبلغ ناچیز سهمی مهم را در تمهید اسباب معیشتشان ایفا می‌کند. برای من موعد واریز یارانه‌ها در هر ماه فرصتی است دوباره برای دیدار با این فرشتگان مهجور زمینی.

برده‌دوم

پشت دزم زمانگانی نشسته‌ای در شهری دورافتاده و مرزی. محرومیت را در نگاه تک‌تک بیمارانی که به‌هستکی قدم برمی‌دارند تا در صندلی کنارت بنشینند و شکایت‌های جسمی‌شان را مطرح کنند، به چشم می‌بینی. در زمانه‌ای که قیمت یک تفک هزار تومان است و البته مبلغی که بیمار بابت ویزیت تخصصی با دفترچه بیمه روستایی پرداخت می‌کند کمتر از چهارهزار تومان، پیرمردی با فاقتی خمیده و جسمی رنجور به تنهایی قدم بر حریم لحظه‌هایت می‌گذارد و تو پیش از هر چیز چشمانت به یک پنج‌هزارتومانی در کیسه‌ای پالوونی می‌افتد که در کنار دفترچه بیمه‌اش به همراهش است؛ یعنی همه وجهی که همراه اوست، در لحظه‌ای که با جسم رنجورش به‌هستکی به صندلی کنارت نزدیک می‌شود و تو با بعضی که همه وجودت را فراگرفته، از خودت می‌پرسی: پیرمرد! آخر من چه دارویی برایت بنویسم که هم توان تهیه‌اش را داشته باشی و هم با باقیمانده پولت توان بازگشت به منزلت. چقدر دلگیر می‌شوم از یادآوری این صحنه و چقدر می‌شکنم از تکرارش و وجودم و چقدر دوست دارم هربار لحظه‌ها را به عقب برگردانم و محبتی دوجندان را با نگاهی به نگارم خسته پیرمرد، دوباره ببخشم. کجایی پیرمرد؟ کجایی که انسان‌بودنم را دوباره، هر لحظه و هرروز به یادم بیاوری و لحظه‌ای آهنگ حضورت را از خاطرم پاک نکنی؟ کجایی پیرمرد؟ کجایی که من به تو، نگاهت و دستان پینه‌بسته خستات، سخت ایمان آوردم.

یادداشت

«دادگاه درمان‌مدار» و چالش‌های پیش‌رو

امیر مغنی‌باشی ـ مددکار اجتماعی

● به‌تازگی ستاد مبارزه با مواد مخدر و سازمان بهزیستی توافق کرده‌اند از این پس مسئولیت درمان معتادان متجاهر (مراکز ماده‌۱۶) بر عهده سازمان بهزیستی باشد. مسئولان سازمان بهزیستی نیز به‌سرعت از تغییر رویکرد درمان اجباری خبر دادند و تاکید کردند قصد تغییر رویکرد قبلی را دارند و در پی راه‌اندازی دادگاه‌های درمان‌مدار هستند. رویه تجمع خدمات درمانی در سازمان بهزیستی را که توان کارشناسی و تجربه نسبتاً کافی دارد، باید به فال نیک گرفت؛ اما به نظر می‌رسد سازمان بهزیستی برای راه‌اندازی مدل دادگاه درمان‌مدار با چالش‌هایی جدی مواجه است.

معتادان خیابانی مدارک شناسایی و هویتی ندارند؛ بنابراین اطلاعات کمی از آنها در سیستم درمانی وجود دارد. در مدل دادگاه‌های درمان‌مدار یکی از ارکان اصلی، وجود مدارکی برای احراز هویت فرد متقاضی درمان یا زندان است. البته این مسئله را همه می‌دانیم که اقدام برای دریافت مدارک شناسایی و هویتی برای این افراد، فرایند زمان‌بر و خسته‌کننده‌ای دارد که بعید است قبل از فرایند درمان این افراد به سرانجام برسد.

موضوع یادشده سبب می‌شود سیستم درمانی توان نظارت و پیگیری بر روند بهبودی فرد ترخیص‌شده از درمان را نداشته باشد، همچنین به‌دلیل اینکه معتادان خیابانی، مسکن و سرپناه مشخصی ندارند، غالباً دسترسی به این افراد ناممکن است تا این ماینیورینگ پس از ترخیص، روال طبیعی خود را طی کند، در مدل دادگاه درمان‌مدار مجازات فردی که متعهد به درمان نشده؛ اما تعهد خود را انجام نداده، حبس است؛ برای روشن‌ترشدن موضوع بهتر است به یک مثال اشاره شود؛ فرض کنید معتاد متجاهری پس از دستگیری از سوی نیروی انتظامی، باید یکی از دو گزینه‌ای را که قاضی پیش پای او گذاشته انتخاب کند: ۱- زندان ۲- درمان؛ فرض کنید این فرد گزینه درمان را انتخاب کرد؛ اکنون چنانچه فرد پس از گذراندن دوره درمانی، دوباره به مصرف‌کردن روی آورد و به خیابان بازگشت، تکلیف چیست؟! آیا سیستم درمانی اطلاعی از وضعیت او داشته است و آیا آن‌طور که در مدل دادگاه درمان‌مدار باید اجرا شود، این امکان جود دارد که فرد را به‌دلیل انجام‌ندان تعهد خود (بهبودی پس از ترخیص) زندانی کنند؟ موضوع دیگر ظرفیت ناکافی زندان‌های کشور است؛ آن‌طور که همگی می‌دانیم و البته مسئولان قوه قضائیه نیز بارها تاکید کرده‌اند، آمار زندانیان کشور زیاد است و حتی گاهی گفته می‌شود با کمبود زندان مواجه هستیم. با توجه به اینکه به‌هرحال یک بخش دادگاه‌های درمان‌مدار، حبس و زندان است؛ بنابراین این موضوع اهمیت بسزایی دارد و پارادوکسی که وجود دارد این است که فلسفه شکل‌گیری دادگاه‌های درمان‌مدار در کشورهای غربی اشغال حجم زیادی از زندان‌ها از سوی مجرمان مرتبط با مواد است و برای کاهش هزینه‌ها این دادگاه‌ها شکل گرفت و به‌سرعت نیز رشد کرد. حال اینکه به نظر می‌رسد با اجرای دادگاه درمان‌مدار در کشورمان باید مراقب «عقب‌گرد» در حوزه درمان اعتیاد باشیم و نکنند به یک‌باره به‌دلیل توجیه‌نشدن برخی قضات و فراموشی فلسفه دادگاه درمان‌مدار، در گرداب واژه «دادگاه» آن گیر کنیم و رویکرد جرم‌نگاری را شدت ببخشیم!

هستند. خانواده‌هایی هستند که هرگز اجازه استفاده اسباب‌بازی‌های پسرانه را به دخترانشان نمی‌دهند. این مسئله درباره پسرها بیشتر صدق می‌کند. مهدی پدر هاتف شش‌ساله است و می‌گوید: من تحت هیچ شرایطی اجازه نمی‌دهم پسرعم عروسک به دست بگیرد یا با قابلمه بازی کند. نمی‌خواهم از حالا روحیه دخترانه داشته باشد و بعدها مجبور باشم انگ بسیاری از حرف‌ها را تحمل کنم. پسر من مثل یک مرد اسباب‌بازی‌های پسرانه استفاده می‌کند. ماشین‌سواری می‌کند، اسلحه دارد و توپ‌بازی می‌کند. این در حالی است که استفاده از اسباب‌های آشپزخانه و عروسک در دوران طفولیت پسران آنها را با مشارکت در زندگی مشترک آشنا می‌کند. دکتر محمدجواد قانع‌ی‌راد، رئیس انجمن جامعه‌شناسان ایران می‌گوید: «وقتی پسرری در عروسک‌بازی‌های دخترانه سهیم می‌شود و در همان بازی دخترچه از او به‌عنوان همسرش می‌خواهد که او غذای ظهر را تهیه کند یا کودک را آرام کند، این پسر وقتی بزرگ بشود و زندگی زناشویی را تجربه کند، یاد می‌گیرد که اساس زندگی بر مشارکت است؛ آن‌هم در زندگی امروزی که زنان پایه‌یای مردان کار می‌کنند تا چرخ اقتصادی را بچرخانند؛ اما وقتی به خانه می‌آیند، باید کارهای خانه را هم به‌تنهایی انجام دهند؛ یعنی امروزه کار بیرون هم بر کارهای دیگر زنان اضافه شده؛ چون کسی به مردان ما یاد نداده که اگر کار بیرون از خانه شراکتی است و زن هم پایه‌یای مرد کار می‌کند، در انجام امورات منزل نیز باید با هم همپا بود».

هنوز جلوی اسباب‌بازی‌فروشی میدان ونک ایستاده‌ام. طلیحه همان مادر جوان لباس توری فانتزی را که لباس السای انیمیشن «یخ‌زده» است، در صندوق عقب می‌گذارد و ست قابلمه و گاز را هم به صندلی تکیه می‌دهد. او می‌خواهد در آینده دخترش حتما زنی خانه‌دار و همه‌چیزدان و البته لوند باشد؛ زنی که دست‌پخت بی‌نظیرش زبازند خاص و عام شود. طلیحه می‌خواهد دخترش درسا کلیشه‌های جنسیتی را خوب بداند.

موضوعات نگاه کنند، در صورت نیاز اقتصادی به کارهای پست روی می‌آورند». کارشناس می‌گوید کودکان هنگام بازی با اسباب‌بازی‌های دخترانه یا پسرانه نقش‌های جنسیتی در آنها تقویت می‌شود. این نگرش به آنها القا می‌شود که دختران ضعیف و وابسته‌اند و درنتیجه به اعتماده‌نفس دخترچه‌ها ضربه وارد می‌شود. از این زمان است که هویت زنان براساس جنسیت‌شان تعیین می‌شود، نه فردیت انسانی‌شان. اینکه دختران به عروسک و رنگ صورتی و پسران به تفنگ علاقه نشان می‌دهند، طبیعی، ذاتی یا فطری نیست؛ بلکه این علاقه آنها براساس آموزش و تجربه‌شان از محیط به دست آمده است و این آموزش‌های غلط بوده‌اند که دو جنس را انسان‌ها جدا از هم بار آورده‌اند. میهمان بازی، پذیرایی، بازی با ظروف و لوازم آشپزخانه، بافندگی، خیاطی و عروسک‌بازی خواست جامعه برای دخترچه‌هاست، نه لزوما خواست خودشان. دخترچه‌هایی که وقتی بزرگ شدند، یکی از حسرت‌های دوران کودکی خود را بیوشن به ورزش‌هایی که پسرانه نداشتند می‌دهند، می‌دانند و والدین و لباس‌های دست‌وپاگیر و سنت از ورزش و شادی آنها به همراه پسرچه‌ها جلوگیری می‌کرد. اگر پسرچه‌های هفت‌ساله به جای بازی با دخترچه‌ها، آنها را ضعیف می‌پندارند و آزار نمی‌دهند و اگر دخترچه‌ها پسرها را به جمع خود راه نمی‌دهند، این رفتارها نه نشانه فهم‌شدن آنها، بلکه نشانه آموزش‌های اشتباهی است که برای تبعیض بین انسان‌ها از سنین کم دریافت کرده‌اند.

همین چند وقت پیش ویدئویی در فضای مجازی دست‌به‌دست می‌شد که دختر خردسالی را در اسباب‌فروشی نشان می‌داد که با گریه از پدرش سؤال می‌کند که چرا اجازه ندارد از اسباب‌بازی‌های پسرانه استفاده کند و چرا دنیای دختران همیشه باید صورتی باشد؛ انگار که اگر او هم مثل دیگر هم سن و سال‌هایش اتاق صورتی نداشته باشد، یک تمایز و تفاوت بزرگ خواهند داشت.

این ویدئوی کوتاه همان اتفاقی است که در اندازهای بزرگ‌تر جوامع امروزی با آن دست‌به‌گریبان

همراهی عرب- باورقی- پنبه‌زن ۱۱- شکیبایی- پروردگار- جواب سربالا ۱۲- دیوار بلند و محکم- امر به آمدن- همسر زال در شاهنامه ۱۳- سرسرا- بدون نقش و نگار- مشهور ۱۴- نمایش فیلم بر پرده پهن- عهده‌دار انجام کاری ۱۵- پایتخت غنا- هنر گوش‌نواز- فام.

۶- کشتی ژاپنی- پیامبر خوش‌صدا- ضربه سر در فوتبال ۷- از ملزومات ماهیگیری- تجزیه شیمیایی- پوست خام دباغی نشده ۸- لبه تیز شمشیر- شکست‌خورده در شطرنج- فهم و شعور ۹- برگشتن- مترجم- به طور ناگهانی ۱۰- حرف

	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱															
۲															
۳															
۴															
۵															
۶															
۷															
۸															
۹															
۱۰															
۱۱															
۱۲															
۱۳															
۱۴															
۱۵															

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶
۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲
۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵	۴۶	۴۷	۴۸
۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳	۶۴
۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰
۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰	۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶
۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲
۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵	۴۶	۴۷	۴۸
۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳	۶۴
۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰
۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰	۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶

جدول ۲۶۰۸

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶
۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	۳۲
۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵	۴۶	۴۷	۴۸
۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳	۶۴
۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰
۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰	۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶

سودوکو سخت ۱۶۰۶

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو ۱۶۰۶

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

			۲		۷		۵	۳
								۳
						۸		۹
							۸	۴
						۱		۷
								۴
							۸	
							۴	۱
								۵

			۲		۷		۴	۶
								۱
						۸	۶	۴
							۲	۳
						۱		۳
								۴
							۸	۷
							۱	۵
								۹
							۶	۲

جدول ۲۶۰۹ ■ طراح: ییزن گورانی

افقی:

۱- از متفوترترین شخصیت‌های تاریخ شیعه- بهبود زخم- مسیحی ۲- از آلات موسیقی آذری- ازلقاب امام زمان (عج) عدد اول ۳- شهرستانی در استان آذربایجان شرقی- برودت- نخست‌وزیر شهید ۴- تن‌پوش زمستانی- سایبان چشم- لیکن ۵- گشودن معما- آرزوی بزرگ- شهری زیارتی در عراق ۶- دربارکن برقی ساختمان- داداش خاله- زهر ۷- تازه‌کار- جانور تک‌سولوی- همسایه تبریز و شبستر ۸- محرمانه- از آثار استاد شهید مرتضی مطهری- از قبایل قدیمی اعراب ۹- رهن‌دهنده- هریک از بخش‌های یک مجموعه- تاندون ۱۰- اشاره به دور- اجازه‌نامه- غم‌غصه ۱۱- ضربه‌ای در بدمیئون- نیاکان-ام‌الخبائث ۱۲- از وسایل بازی کودکان در پارک‌ها- آشکار و نمایان- به سوی خدا بازگشتن ۱۳- ناطق- بزرگوار- انگشت چهارم دست ۱۴- تک‌برگ چاپ‌شده- از آثار چک‌لندن- قراردادن ۱۵- ایشان- روستای کوچک دورافتاده- هواپیمای جنگی.

عمودی:

۱- لاشه گوشت- محل زندگی زنان پادشاه- واحد بین‌المللی چگالی شار مغناطیسی ۲ - بانوی کاراگاه داستان‌های آکاتاکریستی- سرنگون کردن از حکومت و ریاست ۳- خواب خوش- آینده- خام‌خا ۴- تصویری که روی پرده نمایش داده شود- روکار ساختمان- کاسه‌گردان ۵- زائوت‌نرسان- ارتقا یافتن- شهری در هندوستان